

بی خوابی مختصر یا حاد روشنفکران اساساً با بی خوابی دیگر مردم مثلاً کارگران بکلی متفاوت است. اغلب اوقات به نظر می‌رسد روشنفکران از بی خوابی خود لذت می‌برند. برای آنها بی خوابی دارای ظاهر خودآزاری و خودشیفتگی است. آگاه یا ناخودآگاه با اصطلاح ادبی و آخرالامر به هیچ وجه حاضر به از دست دادن بی خوابی خود نیستند. بدون شک میل به درمان دارند ولی نمی‌خواهند بکلی از شرش خلاص شوند. بیش از بقیه مردم، روشنفکر حاضر نیست چیزهای خاص خود را چون امضاء عزیزش، نامش، شخصیت بی‌همتایش و حتی بی خوابی ناخوش آیندش را از دست بدهد. فکر نکند درد بی خوابی برای او ادا یا بی‌اهمیت است، به هیچ وجه روشنفکر اینگونه ساخته شده. هر اتفاقی در زندگیش هر چند ناگوار و سیله کم و بیش فوق‌العاده برای نشخوار فکری اوست. از این وضع دست بردار نیست و ترجیح می‌دهد این‌گونه بماند. بدین سان راحت و مهیا آماده برای تحمل درد و رنجی مشهود که ممکن است تمام طول حیاطش ادامه پیدا کند. بنابراین هرچه بیشتر بخواهید وی را در بی‌حسی فرو برید او سعی خواهد کرد بر بی‌حسی غلبه کند و این شکنجه فوق‌العاده و وحشتناک خود را به هر قیمتی حفظ نماید. فردای شب پس از مصرف قرص خواب‌آور، فاتح، رنگ پریده، خسته در حال خودکشی نزد شما خواهد آمد و می‌گوید «دکتر دو تا قرص خوردم و

چشمانم بسته نشد.» بدین سان بی‌حسی را شکست داده و بی‌خوابی خود را حفظ کرده است.

او بیمارگونه عاشق نگرانی است. روشنفکر مساوی است با خودآزار. با داروهای خواب آور معمولی فلاکت او را نمی‌شود درمان کرد. چون او عاشق فلاکت است. در حقیقت به هیچ چیز بیش از آن در زندگی علاقه‌مند نیست. علی‌رغم داروی خواب‌آور روشنفکر خود را به بی‌خوابی عادت می‌دهد. فقط Somnothril است که قشر مخ را با Eserine تحریک کرده و باعث از بین رفتن هوشیاری می‌شود.

این موضوع ارزش دانستن دارد. دکتر ل. اف. دتوش Dr. d. f. Destouches

منتشر شد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موندو

نوشته:

ژان ماری گوستا و لوکلزیو

(برنده جایزه ادبی رنودو و جایزه بزرگ ادبی فرهنگستان فرانسه)

ترجمه

دکتر المیرا دادور

انتشارات مروارید - تهران - خیابان انقلاب روبروی دانشگاه تهران

تلفن ۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۶۴۸۴۰۲۷